



دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گنجان

نشریه حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی

جلد چهارم، شماره اول، ۱۳۹۴

<http://ejang.gau.ac.ir>

بررسی نقش و جایگاه مشارکتی شوراهای محلی در حفاظت از منابع طبیعی

*احمد عابدی سروسناتی

استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۱/۱۶

چکیده

چگونگی مدیریت و حفاظت مناسب از منابع طبیعی یکی از مسایل مهم عصر حاضر محسوب می‌شود. در این راستا، طراحی و تبیین نهادها و ساختارهای سازمانی مناسب یکی از چالش‌هایی است که بسیاری از کشورها با آن روبرو هستند. مقاله حاضر می‌کوشد بخشی از پاسخ به این چالش را در استفاده از شوراهای محلی جستجو نماید. به همین دلیل، ضمن معرفی نمونه‌ها و تجارب موفق استفاده از شوراهای محلی در مدیریت منابع طبیعی، از شوراهای اسلامی روستایی در ایران به‌عنوان یکی از شوراهای محلی نام برده شده است که می‌تواند در ایجاد یک ساختار سازمانی مناسب مورد توجه قرار گیرد. برای بررسی بیشتر در این رابطه یک تحقیق پیمایشی انجام شد. جمعیت مورد مطالعه شامل اعضای شوراهای اسلامی واقع در مناطق تحت حفاظت استان فارس بودند که با روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده تصادفی ۵۲ شورای اسلامی و ۱۰۴ عضو این شوراها به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، یک پرسشنامه بود که بر اساس سوالات تحقیق طراحی گردید. تجزیه و تحلیل اطلاعات با نرم‌افزار SPSS و با کمک آماره‌های توصیفی انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که تصمیم‌های شوراهای اسلامی روستایی از مقبولیت زیادی در بین مردم برخوردار می‌باشد و می‌توان به مشارکت این شوراها در حفاظت از منابع طبیعی امید زیادی داشت. بر این اساس، اقدامات لازم به‌منظور مشارکت شوراهای اسلامی روستایی در حفاظت از منابع طبیعی و راهکارهای ترویجی مناسب پیشنهاد شده است.

واژه‌های کلیدی: حفاظت از منابع طبیعی، مشارکت، شوراهای محلی

*مسئول مکاتبه: abediac@yahoo.com

مقدمه

تاکنون راهبردهای بسیاری برای حفاظت از منابع طبیعی ارائه شده است. این راهبردها، دامنه وسیعی از رهیافت‌ها برای جلوگیری از تخریب منابع طبیعی و محیط زیست را شامل می‌شوند. اما چیزی که تاکنون در بین آن‌ها مشترک بوده است این است که تقریباً ناموفق بوده‌اند و نتوانسته‌اند انتظارات موردنظر را برآورده سازند (فرارو، ۲۰۰۰). تجزیه و تحلیل این طرح‌ها نشان داده است که دلایل شکست، به خود طرح بر نمی‌گردد، بلکه بیشتر مربوط به زمینه اجتماعی - سیاسی است که این طرح‌ها در آن به اجرا گذاشته شده‌اند (داو، ۱۹۹۳). در عین حال، بررسی طرح‌های موفق نشان داده است که دلایل موفقیت را می‌توان در عواملی مانند مبنای قوی علمی و دانشی، سازمان‌های بوم-منطقه‌ای^۱، فناوری‌های مناسب در عرصه، کارگزاری‌های قوی و پاسخگو، چارچوب قانونی مورد احترام، انسجام اجتماعی، سازوکارهای مؤثر برای مشارکت مردم، آموزش حین کار، انسجام بین فعالیت‌های توسعه اقتصادی و حفاظت از منابع طبیعی، وجود سازمان‌های وابسته به ادارات محلی و اعتبار مالی کافی و انعطاف‌پذیر مرتبط دانست. همچنین، عواملی مانند فرهنگ، اقتصاد، سیاست، روابط اجتماعی و عدالت اجتماعی، که مستقیماً به مسایل فنی طراحی و اجرای برنامه‌های حفاظتی ارتباطی ندارند، می‌توانند نتایج حاصل از اجرای این برنامه‌ها را تحت تأثیر قرار دهند (جاننیز، ۲۰۰۰).

بسیاری از پیامدهای مثبت مشارکت مردمی مانند، افزایش برابری، درآمد و یا حفاظت بهتر از محیط زیست طبیعی، بر این فرض استوارند که مسئولیت و قدرت تصمیم‌گیری به برخی از گروه‌ها یا سازمان‌های محلی، مانند شوراهای یا انجمن‌های روستایی واگذار شود. همچنین، این فرض وجود دارد که گروه‌ها یا سازمان‌هایی در هر اجتماع وجود دارند که می‌توان قدرت تصمیم‌گیری را به آنها واگذار کرد و چنانچه چنین سازمان‌هایی وجود نداشته باشند، می‌توان آن‌ها را ایجاد کرد. باید توجه داشت که تصمیم‌گیری درباره منابع طبیعی مانند مراتع یا جنگل‌ها، که مالکیت آن‌ها عمومی یا ملی است، کل جمعیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد و لذا، هنگام تفویض قدرت تصمیم‌گیری بی‌رامون منابع طبیعی به مردم، می‌باید اولویت را به سازمان‌هایی داد که خود را نماینده کل جمعیت روستا می‌دانند برای مثال، شورای اسلامی روستا.

1- Eco-regional organizations

مطالعات پیرامون استفاده از مشارکت مردمی در حفاظت و مدیریت مناطق جنگلی در قاره آفریقا نشان می‌دهد که هم اکنون، رهیافت مدیریت مشارکتی جنگل در این قاره به خوبی گسترش یافته و مؤثر بوده است و به‌عنوان یک راه مطمئن برای حفاظت و پایداری جنگل‌ها مورد تأیید می‌باشد. ادارات دولتی در آفریقا به خوبی دریافته‌اند هنگامی که از مردم محلی در مدیریت مناطق جنگلی استفاده شود، مشارکت محلی می‌تواند بسیار مؤثر و معنادار باشد. این موضوع به ویژه برای مناطقی از اهمیت بیشتری برخوردار است که تحت هیچ‌گونه حفاظت رسمی قرار ندارند. مشارکت مردمی می‌تواند به شکل‌های گوناگون مطرح باشد، اما همه آن‌ها را می‌توان تحت عنوان «مدیریت مشارکتی جنگل»^۱ مورد بررسی قرار داد. توافقی‌های مدیریتی بین ادارات دولتی و سازمان‌های محلی مانند شوراهای روستایی، حرکت‌های اولیه در مدیریت مشارکتی جنگل محسوب می‌شوند. چنین اقداماتی یک نقطه امید برای حرکت به سمت مدیریت مشارکتی منابع طبیعی هستند، زیرا نشان از به‌وجود آمدن یک تفاهم با ادارات دولتی محسوب می‌شوند که به‌طور سنتی، مدیریت تام و تمام منابع طبیعی را در اختیار دارند.^۲ این توافقی‌های مدیریتی می‌توانند به چند صورت شکل گیرند که عبارتند از:

- مشاوره، مانند آنچه که در هیأت‌های کشاورز-جنگل^۳ در ساحل عاج و کمیته‌های جنگل در کشور غنا وجود دارد.
- مدیریت تعاونی^۴، که در جاهایی وجود دارد که قوانین و قدرت اجتماع روستایی محدود باشد. مانند آنچه که در زیمبابوه، زامبیا و کشور بنین وجود دارد.
- همکاری قراردادی^۵: این نوع همکاری در جاهایی وجود دارد که قوانین اجتماع روستایی قوی‌ترند اما، هنوز غیرمنصفانه و نابرابر نگرند. مانند آنچه که در کشورهای کامرون، اتیوپی، نیجریه، ماداگاسکار، سودان، نیجر، مالی و گینه کواکری وجود دارد.

1- Participatory forest management

۲- اجتماعات روستایی برای کسب قدرتی که به‌طور سنتی در دست مأموران جنگل‌بانی و ادارات منابع طبیعی است، به چیزی نیاز دارند که آن‌ها را قادر به استفاده مناسب از منابع طبیعی نماید و آن چیز، تحقق اداره امور در سطح اجتماع روستایی است.

3- Forest-farmer commissions

4- Cooper ant management

5- Contractual partnership

- مدیریت تحویلی^۱: این نوع توافق در جاهایی وجود دارد که اجتماع روستایی، تمام قدرت‌های اجرایی را در اختیار دارد و از حدّ نهایی اقتدار برخوردار است. مانند آنچه که در پارک‌های جنگلی ملی در کشورهای غنا و تانزانیا انجام می‌شود (ویلی، ۲۰۰۲).

- مدیریت مبتنی بر اجتماع روستایی^۲: این نوع توافق برای مدیریت منابع طبیعی در جاهایی وجود دارد که اختیار امور کاملاً به اجتماع روستایی واگذار شده باشد، به نحوی که در بعضی حالات، مالکیت منابع طبیعی نیز به همین اجتماعات واگذار می‌شود. مانند آنچه که در کشورهای گامبیا، مالاوی، تانزانیا، زنگبار، لسوتو و به‌طور بالقوه در آفریقای جنوبی و اوگاندا، مشاهده می‌شود.

یک تجربه موفق در استفاده از شوراهای محلی در مدیریت جنگل‌ها، مربوط به تلاش‌های انجام شده در جنوب آسیا است. در هندوستان و در دوران استعمار انگلیس، یک سیاست متمرکز بهره‌برداری از جنگل‌ها ایجاد شده بود که بر اساس یک نظام بوروکراسی اداره می‌شد و این سیاست تا نیمه دوم قرن بیستم در اکثر مناطق هندوستان ادامه داشت. اگرچه، تلاش‌های اولیه برای تمرکززدایی در مدیریت جنگل‌ها در هندوستان از سال ۱۹۳۱ در منطقه کومائون^۳ کلید خورده است، اما فقط در سال‌های اخیر است که به مشارکت مردم محلی در مدیریت جنگل‌ها توجه شده است. جنگل‌ها در هندوستان و نپال از دو جنبه، یعنی جنبه‌های معیشتی و تجاری، اهمیت دارند. در هر دوی این کشورها، سیاست‌هایی که در گذشته برای تمرکززدایی به جوامع محلی دنبال شدند، فقط اختیار استفاده از محصولات جنگلی را که جنبه معیشتی داشتند و زندگی مردم به آن وابسته بود به مردم اعطاء کرد. اما، سازمان جنگل‌ها، کنترل نحوه استفاده از منافع تجاری این جنگل‌ها را در اختیار خود نگه داشت و این کنترل، در کشور نپال بیش از هندوستان بود. یکی از کارهای مهمی که در هندوستان انجام پذیرفت، تشکیل یک کمیته از طرف دولت بود تا نسبت به تقاضاها و نیازهای روستاییان اظهار نظر کند. دولت هندوستان پس از دریافت پیشنهادات این کمیته، قانون شورای جنگل را در سال ۱۹۳۱ به تصویب رساند که به روستاییان اجازه می‌داد تا شوراهای جنگل محلی تشکیل دهند و جنگل‌های نزدیک به روستا را تحت مدیریت این شوراها درآورند. این قانون که می‌توان آن را تمرکززدایی و انتقال قدرت کنترل بر جنگل‌ها به مردم محلی دانست، به نیازها و تقاضای روستاییان به خوبی جواب داد. از سال ۱۹۳۱ تا

1- Consigned management

2- Community-based forest management

3- Kumaon

کنون، حدود ۳ هزار شورای جنگل تشکیل شده است و این شوراها، به‌طور رسمی کنترل مدیریت حدود یک چهارم از جنگل‌ها را در منطقه کومانون در اختیار دارند و اداره جنگل‌بانی و مالیات نیز بر نحوه کار آنان نظارت دارد. نکته قابل توجه این است که اعضای این شوراها، با انتخابات محلی و توسط مردم روستایی انتخاب می‌شوند و شروع تشکیل این شوراها هنگامی است که یک‌سوم اهالی روستا، درخواست تشکیل چنین شورایی را به رئیس اداره مالیات منطقه بدهند. هر شورا، به‌طور متوسط بین ۵ تا ۹ نفر عضو دارد که بوسیله یکی از اعضای شورا اداره می‌شود. تمام بزرگسالان روستایی می‌توانند در رأی‌گیری برای انتخاب اعضای شورا، شرکت کنند و کار رأی‌گیری در حضور بازرس شورای جنگل انجام می‌شود که یکی از کارکنان اداره مالیات است و برای این کار، انتخاب و آموزش دیده است. هر بازرس حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ شورای جنگل محلی را تحت پوشش خود دارد (آگراوال و ریپوت، ۱۹۹۹).

دو تحقیق انجام شده در ایالت مادیاپرادش^۱ هند و همچنین در کشور نپال، ارزش زیاد استفاده از مشارکت مردم در مدیریت منابع طبیعی با حق مالکیت مشترک را نشان داده است. تحقیق انجام شده در ایالت مادیاپرادش نشان می‌دهد که چگونه استفاده از مشارکت مردم در مدیریت مشترک جنگل‌ها، امیدهای تازه‌ای را برای حفاظت از منابع طبیعی به‌وجود آورده است که مدت‌ها در معرض تخریب و نابودی بوده‌اند. در پروژه‌های انجام شده که با نام «مدیریت مشترک جنگل»^۲ شناخته می‌شوند، مدیریت مشترک به معنای به اشتراک گذاردن منافع، مسئولیت‌ها، کنترل و قدرت تصمیم‌گیری درباره جنگل‌ها است که بین سازمان جنگل‌ها در این مناطق و گروه‌های بهره‌بردار از جنگل‌ها، انجام گرفته است. این کار نیز با عقد یک قرارداد همکاری بین سازمان جنگل‌ها و گروه‌های بهره‌بردار انجام می‌گیرد که در آن، چگونگی توزیع اختیار و صلاحیت، مسئولیت‌ها و منافع، مشخص شده است. برای مدت‌های طولانی، جنگل‌نشینان مسئول بخشی از تخریب جنگل‌ها شناخته شده‌اند، زیرا آنان با هدف سود اقتصادی به بهره‌برداری مفرط از جنگل‌ها می‌پردازند. اما نکته قابل توجه این است که پروژه مدیریت مشترک جنگل‌ها به دنبال معکوس کردن این روند بوده است. در یکی از این پروژه‌ها در ایالت مادیاپرادش، سعی گردید تا این کار با محول کردن مالکیت محصولات تولیدی جنگل‌ها به مردم محلی انجام پذیرد. به‌این صورت، این حس در مردم به‌وجود می‌آید که آنان، سهمی در منافع حاصل از

1- Madhaya Pradesh

2- Joint forest management

حفاظت بلندمدت جنگل‌ها دارند. همچنین، با مشارکت فعال مردم محلی در مدیریت جنگل‌ها، آنان می‌توانند روش‌ها و تصمیم‌هایی را برای بهره‌برداری از جنگل‌ها به‌کار گیرند که فکر می‌کنند برای این کار مناسب‌تر هستند. نکته قابل توجه این است که طراحان این پروژه برای رسیدن به این مقصود از دو شکل محلی به نام‌های «کمیته جنگل روستایی» و «کمیته حفاظت جنگل» استفاده کردند که شکل اول، برای احیای جنگل‌های مخروبه و تشکیل دوم، برای حفاظت از جنگل‌ها ایجاد شدند. هم‌اکنون، نتایج حاصل از اجرای این پروژه که از سال ۱۹۹۰ آغاز شده است، به‌طور کاملاً واضحی در منابع جنگلی این ایالت، قابل مشاهده است. در کشور نپال نیز پروژه مشابه‌ای انجام گردید که در آن، مدیریت بیش از ۲۰۰ هزار هکتار از جنگل‌ها به ۴۵۰۰ گروه بهره‌بردار واگذار گردید. قانون جنگل‌ها در نپال که در سال ۱۹۹۳ به تصویب رسید، گروه‌های بهره‌بردار از جنگل‌ها را به‌عنوان نهادهای مستقل و دارای شخصیت حقوقی تعریف می‌کند که مدت اعتبار آن‌ها نامحدود است و حق جمع‌آوری، حمل و نقل و فروش محصولات جنگلی را دارند. سپس در سال ۱۹۹۵، اتحادیه گروه‌های بهره‌بردار از جنگل تأسیس گردید. هدف این اتحادیه، آگاهی بخشی و تقویت هماهنگی گروه‌های بهره‌بردار و بسیج گروه‌های بهره‌بردار و پیوند علایق مشترک بین آن‌ها می‌باشد. آمارها نشان داده است که این رهیافت برای مدیریت منابع طبیعی، نسبت به رهیافت‌های بالا به پایینی که سازمان جنگل‌ها در نپال قبلاً دنبال می‌کرده است، یک رهیافت کاملاً موفق می‌باشد (عثمانی، ۲۰۰۰).

نمونه دیگر مربوط به کشور کنیا می‌باشد. در این کشور، تخریب جنگل‌ها به مرحله‌ای بی‌سابقه در دهه ۱۹۷۰ رسیده بود و بسیاری بر این باور بودند که علت آن، کمبود قوانین مناسب و نبود سیاست‌های سنجیده جنگل‌داری است. قوانین و سیاست‌های مدیریت جنگل‌ها در کشور کنیا، مربوط به دوران استعمار می‌شد که از سال ۱۹۵۷ میلادی، تغییرات اندکی کرده بودند. با این قوانین و سیاست‌ها، اختیار و صلاحیت مدیریت منابع طبیعی به‌طور متمرکز در دست دولت بود که در آن، توجه چندانی به سایر دست‌اندرکاران علاقه‌مند به حفاظت از منابع طبیعی نشده بود. بنابراین، اجتماعات محلی به شدت خواهان قوانین و سیاست‌هایی بودند که حضور و مشارکت آنان در مدیریت منابع طبیعی را به رسمیت بشناسد. در سال ۱۹۹۴، حرکت به سمت یک سیاست جدید برای منابع طبیعی و جنگل‌ها، آغاز شد که بهبود مدیریت جنگل‌ها را دنبال می‌کرد. این حرکت، با یک طرح راهبردی برای توسعه جنگل‌ها همراه شد که چند راهکار مدیریتی مختلف، شامل اصلاح قوانین و سیاست‌ها را پیشنهاد می‌داد که در آن‌ها از این پس، دولت تنها حافظ منابع طبیعی به شمار نمی‌آمد.

قانون جدید جنگل‌ها که در سال ۲۰۰۷ میلادی در کنیا به تصویب رسید، نقش اجتماعات محلی را در مدیریت منابع طبیعی به رسمیت می‌شناسد و مشوق مشارکت آنان در حفاظت از منابع طبیعی است. در این قانون، پیش‌بینی شده است که اجتماعات محلی بتوانند به‌عنوان مدیر مشترک^۱ و یا مدیران قراردادی^۲، در مدیریت منابع طبیعی مشارکت داشته باشند. بر طبق یکی از بندهای این قانون، اجتماعات محلی و بهره‌برداران از منابع طبیعی، فقط با تشکیل انجمن‌های محلی می‌توانند در این کار شرکت کنند. این انجمن‌ها، به‌عنوان سازمان‌های اجتماع نهاد^۳ سطح دوم محسوب می‌شوند که از آن‌ها انتظار می‌رود با تجمیع خود، سازمان‌های سطح سوم یا سازمان‌های ملی^۴ را راه‌اندازی کنند که قابلیت تبدیل شدن به سازمان‌های غیردولتی را دارا هستند^۵. همچنین، از این سازمان‌ها این انتظار وجود دارد که بتوانند منابع مالی را به‌صورت محلی و یا از خارج، فراهم کنند. یک نمونه از این شکل‌ها، مجمع ملی انجمن‌های جنگل اجتماع^۶ است که در کشور کنیا راه‌اندازی شده است (اونگوگو، ۲۰۰۷).

علی‌رغم انجام تلاش‌های فوق، مردم کنیا نتوانستند به تمام اهداف خود برای مشارکت اجتماعات محلی در مدیریت منابع طبیعی و جنگل‌ها، دست یابند. همان‌طور که ویلی (۲۰۰۲) به آن اشاره کرده است، چنانچه وضع و شرایط موجود، نظر مساعدی نسبت به رهیافت‌های مدیریتی جایگزین نداشته باشد، پذیرش این رهیافت‌ها زمان زیادی می‌برد و این موضوع، درباره منابع طبیعی کنیا نیز صادق بود. برای نمونه می‌توان به دهه ۱۹۸۰ اشاره کرد که در آن دهه، تلاش برای تفویض اختیار مدیریت منابع طبیعی و جنگل‌ها از سطوح متمرکز و بالا به ساختارهای مدیریتی سطوح پایین‌تر، با شکست مواجه گردید. اما، هم‌اکنون اجتماعات محلی در کنیا این امید را دارند که با تصویب قانون جدید سال ۲۰۰۷، فرآیند تفویض مدیریت منابع طبیعی به‌طور موفقیت‌آمیزی به اجرا گذاشته شود. بر اساس یکی از بندهای این قانون، سازمان جنگل‌ها در کنیا به نحوی تغییر می‌یابد که امکان استفاده از انجمن‌های محلی در مدیریت منابع طبیعی فراهم شود. به این صورت و بر خلاف توقع سازمان‌های شهری،

-
- 1- Co-manager
 - 2- Contract manager
 - 3- Community-based organizations
 - 4- National organizations
 - 5- NGOs
 - 6- National assembly of community forest associations

سازمان جنگل‌ها دست‌اندرکار تشکیل انجمن‌های محلی شد و این انجمن‌ها، پیش‌نویس طرح‌های مدیریتی خود را برای تصویب به سازمان جنگل‌ها ارائه کردند (اونگوگو، ۲۰۰۷).

اگرچه مطالعات مذکور، نشان دهنده موفقیت استفاده از مشارکت مردمی در مدیریت و حفاظت از منابع طبیعی هستند، اما، باید توجه داشت که مثال‌ها و نمونه‌های ناموفق بیشتر از مثال‌ها و نمونه‌های موفق است. علت شکست را می‌باید در دو چیز جستجو کرد. یکی، مسایل و مشکلاتی که در انتقال قدرت از سطوح بالا به سوی پایین وجود دارد و دوم، مسایلی که در ارتباط با سازماندهی توده مردم به‌منظور ایجاد شرایط مناسب برای مشارکت مؤثر آنان وجود دارد. برخی از کشورها سعی کرده‌اند که مشکلات موجود در این مسیر را با ارائه ساختارهایی حل نمایند که دموکراتیک بوده و منتخب مردم در سطح محلی هستند و برخی دیگر، سعی کرده‌اند با انتخاب از بین ساختارهای سنتی موجود، این مشکلات را حل و فصل کنند (عثمانی، ۲۰۰۰).

ممکن است این پرسش مطرح شود که آیا فرآیند و نتایج حاصل از پروژه‌های مذکور، که در ایالت مادیاپرادش و کشور نپال اجرا شده‌اند، می‌تواند در مشارکت شوراهای اسلامی در حفاظت از منابع طبیعی در کشورمان کاربرد داشته باشد؟ یک پاسخ کلی می‌تواند مثبت باشد زیرا، از یک طرف، این پروژه‌ها در کشورهای در حال توسعه اجرا شده‌اند و کشور ما نیز جزو همین کشورها است و از این نظر، اشتراکات بسیاری درباره مسایل موجود در حفاظت از منابع طبیعی بین این کشورها وجود دارد. از طرف دیگر، پروژه‌های فوق، همگی در جستجوی استفاده مؤثر از مشارکت مردم در حفاظت از منابع طبیعی بوده‌اند و در این راستا، اقدام به تشکیل و تقویت سازماندهی مردم در قالب شوراهای تشکلی خاص کرده‌اند. این موضوع، خود تأییدی بر اهمیت و قابلیت‌های شوراهای اسلامی روستایی در حفاظت از منابع طبیعی است، زیرا اولاً، شوراهای اسلامی یکی از مهمترین تشکلی‌های روستایی محلی در کشور ما محسوب می‌شوند که از سابقه طولانی در مدیریت امور مربوط به روستا برخوردارند. ثانیاً، همان‌طور که در پروژه‌های مذکور عنوان شده است، یکی از نیازهای موجود برای استفاده از مشارکت مردم در حفاظت از منابع طبیعی، ایجاد ساختارهای دموکراتیک برای سازماندهی مردم در قالب تشکلی‌های مردمی است و شوراهای اسلامی روستایی ذاتاً برای چنین کاری تشکلی شده‌اند. این شوراهای ضمن برخورداری از جایگاه قانونی، از شخصیت حقوقی مستقلی نیز برخوردارند و می‌توانند به‌عنوان یک سازمان محلی در سازماندهی مردم برای مشارکت مؤثر در حفاظت از منابع طبیعی ایفای نقش کنند. این در حالی است که در ساختار سازمانی موجود شوراهای اسلامی، پیش‌بینی

تشکیل اتحادیه‌هایی شده است که نمونه‌هایی از آن در پروژه کشور نپال وجود دارد. برای مثال، هم اکنون و در سطوح بالاتر از شورای اسلامی روستا، شوراهایی مانند شورای اسلامی بخش، شورای اسلامی شهرستان و شورای اسلامی استان فعال می‌باشند که می‌توانند نقشی همانند یک اتحادیه را برای شوراهای اسلامی روستا ایفا نمایند.

تأیید دیگر برای استفاده از شوراهای اسلامی روستایی در حفاظت از منابع طبیعی، نتایجی است که از تحقیق انجام شده در استان فارس پیرامون زمینه‌های مشارکت مردمی در طرح‌های منابع طبیعی، به دست آمده است. در این تحقیق مشخص شد که از نظر مردم روستایی، شوراهای اسلامی روستا، مهم‌ترین عامل در جلب مشارکت مردمی به شمار می‌آیند و بعد از آن‌ها، رهبران محلی شامل ریش سفیدان و معتمدان محلی قرار دارند. این در حالی است که، این تحقیق نشان داده است که شوراهای اسلامی روستایی از مهمترین تشکلهایی هستند که در زمینه تصمیم‌گیری‌های مربوط به روستا نقش دارند و از نظر مردم روستا، بهترین مرجع ذیصلاح برای تصمیم‌گیری و نیز جلب مشارکت مردم در روستا به شمار می‌آیند (کارگر و عابدی‌سروستانی، ۲۰۰۰). گروه منابع طبیعی شورای کلان شهرهای ایالت مینه‌سوتا نیز بر استفاده از شوراهای حفاظت از منابع طبیعی، تأکید دارد. این گروه توصیه کرده است که حفاظت از منابع طبیعی می‌باید به صورت یکپارچه و در فعالیتهای سیاست‌گذاری و برنامه‌های شورای شهر قرار داشته باشد و معتقد است، همان‌طور که برای حفاظت از پارک‌های ملی در سطح سیاست‌گذاری‌ها اقدام می‌شود، این کار می‌باید در سطح محلی نیز انجام پذیرد (اداره منابع طبیعی مینه‌سوتا، ۲۰۰۴).

از طرف دیگر، نباید فراموش شود که یکی از مهم‌ترین کارهایی که شوراهای اسلامی روستایی می‌توانند در افزایش مشارکت مردم در حفاظت از منابع طبیعی انجام دهند، کمک به شکل و حمایت از دیگر سازمان‌های مردمی برای حفاظت از محیط‌زیست در سطح روستاها است. این سازمان‌ها از ویژگی‌هایی مانند داوطلبانه بودن، استقلال و خودمختاری، اداره شدن به وسیله کمک‌های مالی مردم، نزدیک بودن به اجتماع و غیرانتفاعی بودن برخوردارند و می‌توانند به‌عنوان بازوی کمکی و مؤثر در حفاظت از منابع طبیعی به شوراهای اسلامی یاری رسانند. سازمان‌های مردمی کارکردهای متفاوتی در حفاظت از منابع طبیعی دارند که از جمله آن‌ها می‌توان به ارائه اطلاعات، ایده‌پردازی، تسهیل در ایجاد ارتباطات، مشاوره و انجام تحقیق، برنامه‌ریزی، اجرای برنامه‌ها و آموزش، اشاره کرد (سازمان بهره‌وری آسیا، ۲۰۰۴). قابلیت دیگر شوراهای اسلامی در حفاظت از منابع طبیعی به جایگاه این شوراهای در بین

مردم روستا بر می‌گردد. اگرچه، شوراهای اسلامی دارای جایگاه قانونی هستند و دولت به نحوی در اداره امور آن‌ها دخالت دارد و برای آن‌ها، یک ساختار سازمانی مشخصی را پیشنهاد داده است، اما از این موضوع نیز نباید غافل بود که شوراهای روستایی در ایران علاوه بر قدمت، عمدتاً از اعضای تشکیل می‌شوند که جز رهبران محلی، ریش‌سفیدان و معتمدان روستایی هستند. به این ترتیب شوراهای اسلامی می‌توانند نقش بسیار مهمی در حفاظت از منابع طبیعی بر عهده گیرند. این موضوع نه تنها به جایگاه و مقبولیت این افراد در بین مردم بر می‌گردد، بلکه می‌توان آن را به بینش، هنجارها، رفتارهای مورد قبول و قوانین و مقرراتی دانست که به‌طور سنتی و در بین اجتماعات روستایی وجود دارد و در هیچ قانون و مقررات رسمی نوشته نشده است. به بیان دیگر، هنجارهای فرهنگی مناسب در هر اجتماع، پشتیبان حفاظت از منابع طبیعی محسوب می‌شود. به این ترتیب، اعضای شوراهای اسلامی با نفوذ و قدرتی که در بین روستاییان دارند، می‌توانند مشوق و ضامن اجرای چنین هنجارهایی باشند. این موضوع مورد تأکید سازمان بهره‌وری آسیا نیز می‌باشد، به طوری که مطالعات این سازمان نشان می‌دهد که در کشور نپال، قوانین رسمی حفاظت از منابع طبیعی از اهمیت کمتری نسبت به هنجارها، قوانین محلی و رفتارهای مورد قبول اجتماعات روستایی برخوردار بوده‌اند.

در مجموع، ذکر چند نکته لازم است. یکی این که، نباید فرض کرد که در جوامع روستایی صرف نبود کمیته‌ها یا قوانین رسمی، هیچ مقررات، قوانین محلی یا هنجارهای مورد احترام جامعه برای حفاظت از منابع طبیعی وجود ندارد. دوم این که، می‌باید مواظب مشکلات ناشی از تحمیل شکل‌های یکدست سازمانی برای مدیریت منابع طبیعی بود، زیرا شرایط در همه جا یکسان نیست تا بتوان با اعمال قوانین یکسان، به حفاظت از منابع طبیعی در مناطق مختلف پرداخت. سوم، بیش از این که به تشکیل سازمان‌های محلی جدید اقدام شود، می‌باید به سازمان‌های محلی موجود مانند شوراهای روستایی، اهمیت داد و ضمن بهبود آن‌ها، از ظرفیت و توان آنان برای حفاظت از منابع طبیعی استفاده کرد. مطالعات سازمان بهره‌وری آسیا نیز نشان می‌دهد که در موفقیت سازمان‌های محلی در حفاظت از منابع طبیعی، یک عامل مشترک وجود دارد و آن عامل، قدرت واقعی این سازمان‌ها در تصمیم‌گیری است. در غیر این صورت و در غیاب این عامل، می‌توان گفت که مشارکت سازمان‌های محلی در حفاظت از منابع طبیعی بی‌معنی خواهد بود (سازمان بهره‌وری آسیا، ۲۰۰۴).

علاوه بر این، شوراهای اسلامی از یک کارکرد بالقوه در افزایش احساس اعتماد و تعلق اجتماعی در بین روستاییان برخوردارند. شوراهای اسلامی قادرند این کار را از طریق اصلاح شبکه ارتباطات

درونی جامعه و با مشارکت در فرآیند تصمیم‌سازی و نظارت بر اجرای وظایف محوله از سوی سازمان‌های دولتی و همچنین، تشویق مردم و سازمان‌های غیردولتی به مشارکت در امور به انجام رسانند. این کارکرد از این‌رو مهم است که در صورت از بین رفتن احساس تعلق اجتماعی، احساس مسئولیت فرد نیز از بین خواهد رفت و نسبت به سرنوشت محل زندگی خود و همچنین منابع طبیعی بی‌تفاوت خواهد شد. بنابراین، می‌توان گفت شوراهای اسلامی یکی از شیوه‌های نرم‌افزاری مشارکت مردم و از نمونه‌های بارز نظام مشارکت جوامع محلی محسوب می‌شوند که می‌توانند نقش حمایتی، هدایتی، نظارتی و اجرایی در برنامه‌های مدیریت منابع طبیعی را داشته باشند (صادقی، ۲۰۰۶). با توجه به موارد یاد شده، هدف مقاله حاضر ارائه بخشی از یافته‌های حاصل از یک طرح پژوهشی می‌باشد که درباره راهکارهای مشارکت شوراهای اسلامی روستایی در حفاظت از منابع طبیعی انجام شده است. در این راستا، سوالات زیر مطرح بوده است:

- تا چه میزان می‌توان به مشارکت شوراهای اسلامی روستایی در حفاظت از منابع طبیعی امید داشت؟
- تا چه میزان تصمیم‌های شوراهای اسلامی روستایی در بین مردم مقبولیت دارد؟
- میزان شرکت اعضای شوراهای اسلامی روستایی در دوره‌های آموزشی مرتبط با منابع طبیعی چقدر می‌باشد؟
- ارتباط شوراهای اسلامی با ادارات منابع طبیعی و محیط‌زیست تا چه حد می‌باشد؟
- تا چه میزان مسایل منابع طبیعی در جلسات شوراهای اسلامی روستایی مطرح می‌باشد؟
- میزان مشارکت در بین اعضای شوراهای اسلامی روستایی تا چه حد می‌باشد؟
- در زمینه حفاظت از منابع طبیعی شوراهای اسلامی روستایی چه فعالیت‌هایی داشته‌اند؟
- مهم‌ترین کارهایی که می‌باید برای همکاری و مشارکت شوراهای اسلامی روستایی در حفاظت از منابع طبیعی انجام شود، چیست؟

مواد و روش‌ها

به‌منظور بررسی بیشتر در این رابطه، یک تحقیق پیمایشی انجام گردید. جمعیت مورد مطالعه شامل تمام اعضای شوراهای اسلامی روستایی واقع در مناطق ۹ گانه تحت حفاظت محیط‌زیست فارس بودند. این مناطق عبارتند از، پارک ملی و حیات وحش بختگان، پارک ملی بومو، مناطق حفاظت شده ارژن و پریشان، بهرام گور، ماله گاله، میان‌جنگل، هُرمَد، تنگ بُستانک، و مارگون. تعداد و اسامی

روستاهای واقع در هر منطقه حفاظت شده با استفاده از اطلاعات موجود در اداره کل محیط‌زیست فارس، پرسش از مسئولین و کارشناسان ادارات شهرستانی و تأیید کارشناس مسئول هر منطقه حفاظت شده، مشخص گردید. نمونه‌گیری به این صورت انجام گرفت که ابتدا روستاهای واقع در هر منطقه تحت حفاظت به‌عنوان یک طبقه در نظر گرفته شدند. سپس از درون هر طبقه و به نسبت تعداد روستاهای واقع شده در هر منطقه، تعدادی از شوراهای اسلامی روستا به‌طور تصادفی و به‌صورتی انتخاب گردیدند که از هر منطقه حفاظت شده، به تعداد نسبتاً همگنی از شوراهای اسلامی مورد بررسی قرار گیرند. به این ترتیب و برای مثال، ۱۰ درصد از ۷۳ روستای واقع شده در منطقه حفاظت شده پارک ملی و حیات وحش بختگان و ۵۰ درصد از ۱۲ روستای واقع در منطقه حفاظت شده میان‌جنگل، به‌طور تصادفی انتخاب شدند. همچنین در مناطقی که تعداد روستاها محدود بودند، مانند مناطق حفاظت شده هُرمند و مارگون، تمام روستاهای واقع در آن مناطق مورد مطالعه قرار گرفتند. به این ترتیب، از هر ۴ روستای مناطق تحت حفاظت استان فارس، یک روستا به‌طور تصادفی به‌عنوان نمونه انتخاب گردید. سپس از هر شورای اسلامی روستا، دو نفر از اعضاء شورا به‌طور تصادفی به‌عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفتند که ۱۰۴ عضو شورای اسلامی از ۵۲ روستا را شامل گردید. اطلاعات موردنیاز با استفاده از یک پرسشنامه و با مراجعه حضوری به نمونه‌ها جمع‌آوری گردید. تجزیه و تحلیل اطلاعات با نرم‌افزار آماری SPSS انجام گردید و در آن از آماره‌های توصیفی مانند فراوانی و درصد استفاده شد.

نتایج

میزان امیدواری به مشارکت شوراهای اسلامی در حفاظت از منابع طبیعی: یکی از موارد مطرح، میزان امیدواری به مشارکت شوراهای اسلامی در حفاظت از منابع طبیعی است. از این رو، از پاسخگویان پرسش شد تا چه اندازه می‌توان به مشارکت شورای اسلامی در حفاظت از منابع طبیعی منطقه امیدوار بود. یافته‌ها نشان می‌دهند که هیچکدام از پاسخگویان این امیدواری را در حد هیچ، ارزیابی نکرده‌اند. در مقابل، اکثر پاسخگویان (۷۲/۱ درصد) این امیدواری را در حد زیاد دانسته‌اند. به این ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر اعضای شوراهای اسلامی نسبت به مشارکت شوراهای اسلامی در حفاظت از منابع طبیعی، امیدوار هستند. جدول ۱، نتایج به‌دست آمده از این بررسی را نشان می‌دهد.

نشریه حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی جلد (۴)، شماره (۱) ۱۳۹۴

جدول ۱- امیدواری به مشارکت شوراهای اسلامی در حفاظت از منابع طبیعی.

میزان امیدواری	فراوانی		درصد تجمعی
	تعداد	درصد	
هیچ	۰	۰	۰
کم	۸	۷/۷	۷/۷
متوسط	۲۱	۲۰/۲	۲۷/۹
زیاد	۷۵	۷۲/۱	۱۰۰
جمع	۱۰۴	۱۰۰	-

مقبولیت تصمیم‌های شورای اسلامی در بین مردم: یکی از مواردی که می‌تواند در موفقیت‌آمیز بودن مشارکت شوراهای اسلامی در حفاظت از منابع طبیعی مؤثر باشد، میزان مقبولیت تصمیم‌های شوراهای اسلامی در بین مردم روستا است. از این‌رو، از پاسخگویان خواسته شد مشخص کنند تا چه اندازه مردم روستای آنان، تصمیم‌های شورای اسلامی را قبول دارند. یافته‌ها نشان می‌دهند از نظر نیمی از اعضای شوراهای اسلامی، تصمیم‌های شورا در بین مردم از مقبولیت زیادی برخوردار است و نزدیک به نیمی دیگر (۴۵/۲ درصد) این میزان را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. جدول ۲، نتایج به‌دست آمده از این بررسی را نشان می‌دهد.

جدول ۲- میزان مقبولیت تصمیم‌های شوراهای اسلامی در بین مردم روستا.

میزان مقبولیت	فراوانی		درصد تجمعی
	تعداد	درصد	
هیچ	۰	۰	۰
کم	۵	۴/۸	۴/۸
متوسط	۴۷	۴۵/۲	۵۰
زیاد	۵۲	۵۰	۱۰۰
جمع	۱۰۴	۱۰۰	-

شرکت در دوره‌های آموزش منابع طبیعی: از پاسخگویان سوال شد که آیا تاکنون در دوره آموزشی در رابطه با منابع طبیعی شرکت داشته‌اند یا خیر. نتایج نشان می‌دهند که ۶۱/۵ درصد از آنان در هیچ دوره آموزشی شرکت نداشته‌اند. مابقی نیز در ۱ تا ۱۰ دوره آموزشی شرکت داشته‌اند. این میزان برای

تمام نمونه‌های مورد مطالعه به‌طور متوسط برابر با ۱/۰۳ دوره آموزشی و برای افرادی که در این دوره‌ها شرکت کرده‌اند، به‌طور متوسط برابر با ۲/۷ دوره است. این یافته‌ها نشان می‌دهند که نیاز است تا دوره‌های آموزش منابع طبیعی موردنیاز برای اعضای شوراهای اسلامی تهیه و تدارک دیده شود. این نیاز با توجه به شرکت نداشتن بیش از نیمی از افراد مورد مطالعه در چنین دوره‌های آموزشی، به خوبی ملموس است. طبیعی است که شرکت اعضای شوراهای اسلامی در دوره‌های مناسب آموزش حفاظت از منابع طبیعی، می‌تواند ضمن افزایش دانش، آگاهی و مهارت آنان، بر مشارکت فعال آنان در حفاظت از منابع طبیعی تأثیر داشته باشد. جدول ۳، توزیع نمونه‌های مورد بررسی را بر اساس میزان شرکت در دوره‌های آموزشی مرتبط با منابع طبیعی، نشان می‌دهد.

جدول ۳- میزان شرکت در دوره‌های آموزشی در رابطه با منابع طبیعی.

درصد تجمعی	فراوانی		میزان شرکت در دوره آموزشی
	درصد	تعداد	
۶۱/۵	۶۱/۵	۶۴	هیچ
۹۱/۳	۲۹/۸	۳۱	۱-۳
۹۹	۷/۷	۸	۴-۶
۱۰۰	۱	۱	۱۰
-	۱۰۰	۱۰۴	جمع

مطرح شدن مسایل منابع طبیعی و محیط‌زیست در جلسات شورا: در پاسخ به این سوال که آیا در جلسات شورای اسلامی شما مسایل مرتبط با منابع طبیعی و محیط‌زیست نیز، مطرح می‌شوند یا خیر، ۸۶/۵ درصد از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که در این جلسات، مسایل مربوط به منابع طبیعی مطرح می‌شود و ۸۳/۷ درصد نیز بیان کرده‌اند که در این جلسات مسایل مربوط به محیط‌زیست مطرح می‌شوند. این یافته‌ها نشان می‌دهند موضوعات منابع طبیعی و محیط‌زیست، از جمله موضوعاتی است که در اکثر جلسات شوراهای اسلامی طرح می‌شوند.

ارتباط با ادارات منابع طبیعی و محیط‌زیست: یکی از موضوعات مورد بررسی، میزان ارتباط اعضای شوراهای اسلامی با ادارات منابع طبیعی و محیط‌زیست بود. این بررسی از این‌رو مهم است که مشارکت شوراهای اسلامی در حفاظت از منابع طبیعی، می‌باید با همکاری مهمترین ادارات دولتی

نشریه حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی جلد (۴)، شماره (۱) ۱۳۹۴

متولی حفاظت از منابع طبیعی یعنی، اداره منابع طبیعی و اداره محیط زیست انجام پذیرد و این انتظار وجود دارد که هر چه اعضای شوراهای اسلامی با این ادارات در ارتباط بیشتری باشند، امید به مشارکت فعال آنان در حفاظت از منابع طبیعی، افزایش یابد. یافته‌ها نشان می‌دهند که کمی بیش از نیمی از نمونه‌های مورد مطالعه، میزان ارتباط خود با اداره منابع طبیعی را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. این در حالی است که نزدیک به نیمی از آنان، ارتباط خود با اداره محیط‌زیست را در حد کم ارزیابی کرده‌اند. همچنین تعداد افرادی که هیچ رابطه‌ای با اداره محیط‌زیست ندارند، حدود سه برابر بیشتر از تعداد افرادی است که هیچ رابطه‌ای با اداره منابع طبیعی ندارند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که میزان ارتباط اعضای شوراهای اسلامی با اداره منابع طبیعی بیشتر از اداره محیط‌زیست است. جدول‌های ۴ و ۵، نتایج به‌دست آمده از این بررسی را نشان می‌دهند.

جدول ۴- میزان ارتباط شوراهای اسلامی با اداره منابع طبیعی.

میزان ارتباط	فراوانی		درصد تجمعی
	تعداد	درصد	
هیچ	۵	۴/۸	۴/۸
کم	۳۰	۲۸/۸	۳۳/۷
متوسط	۵۵	۵۲/۹	۸۶/۵
زیاد	۱۴	۱۳/۵	۱۰۰
جمع	۱۰۴	۱۰۰	-

جدول ۵- میزان ارتباط شوراهای اسلامی با اداره محیط‌زیست.

میزان ارتباط	فراوانی		درصد تجمعی
	تعداد	درصد	
هیچ	۱۶	۱۵/۴	۱۵/۴
کم	۴۵	۴۳/۳	۵۸/۷
متوسط	۳۱	۲۹/۸	۸۸/۵
زیاد	۱۲	۱۱/۵	۱۰۰
جمع	۱۰۴	۱۰۰	-

مشارکت در بین اعضای شوراهای اسلامی: از پاسخگویان خواسته شد تا نظر خود را درباره این عبارت که «در بین اعضای شورای اسلامی ما مشارکت خوبی وجود دارد»، مشخص کنند. یافته‌ها نشان

می‌دهند که حدود نیمی از پاسخگویان (۵۱ درصد) اعتقاد دارند که این عبارت کاملاً صحیح است یعنی این که، آنان معتقدند که این عبارت درباره شورای اسلامی آنها کاملاً صدق می‌کند و مشارکت خوبی در بین اعضای شورای اسلامی آنان وجود دارد. در مقابل، فقط یک درصد از پاسخگویان کاربرد این عبارت را برای شورای اسلامی خود، کاملاً نادرست ارزیابی کرده‌اند. جدول ۶، نتایج به دست آمده از این بررسی را نشان می‌دهد.

جدول ۶- نظر پاسخگویان نسبت به عبارت «در بین اعضای شورای اسلامی ما مشارکت خوبی وجود دارد».

درصد تجمعی	فراوانی		مشارکت در بین اعضا
	درصد	تعداد	
۱	۱	۱	کاملاً نادرست
۴/۸	۳/۸	۴	نادرست
۱۱/۵	۶/۷	۷	بی نظر
۴۹	۳۷/۵	۳۹	صحیح
۱۰۰	۵۱	۵۳	کاملاً صحیح
-	۱۰۰	۱۰۴	جمع

برای بررسی بیشتر و با استفاده از یک سوال باز از اعضای شوراهای اسلامی که شورای آنان در زمینه حفاظت از منابع طبیعی فعالیت داشته است، خواسته شد تا این فعالیت‌ها را نام ببرند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که فعالیت شوراهای اسلامی در حفاظت از منابع طبیعی شامل موارد زیر بوده است:

- همکاری با قرقبان محل.
- جلوگیری از ورود غیر مجاز دام عشایر به مراتع و جنگل‌ها.
- نگهداری از مراتع احیاء شده.
- تسلیم اختطاریه‌های منابع طبیعی به افراد موردنظر.
- کنترل و جلوگیری از قطع درختان.
- بیرون راندن افراد سودجو از عرصه‌های منابع طبیعی.
- شرکت در جلسات اداره منابع طبیعی.

- تهیه و ارسال گزارش تخریب منابع طبیعی به ادارات ذیربط.
- همکاری با ماموران منابع طبیعی.
- جلوگیری از تخریب بستر رودخانه‌ها توسط ماشین‌آلات سنگین.
- جلوگیری از تخریب زمین‌های ملی.
- جلوگیری از تهیه زغال از چوب‌های درختان جنگلی.
- همکاری در اطلاع‌رسانی با اداره منابع طبیعی.
- هماهنگی برای پیشگیری از ایجاد آتش‌سوزی در جنگل.
- کمک به خاموش کردن آتش در جنگل‌ها و مراتع.
- برخورد با افرادی که قصد تخریب جنگل و تبدیل آن به زمین زراعی داشته‌اند.
- جلوگیری از شخم زدن مراتع برای جمع‌آوری ریشه گیاه شیرین بیان (محک).
- انعقاد قرارداد برای طرح‌های مطالعاتی مهار سیلاب‌های سطحی و جلوگیری از فرسایش خاک.
- ارشاد و هدایت مردم، کشاورزان و دامداران برای جلوگیری از قطع درختان و تخریب زمین‌های منابع طبیعی.

بحث و نتیجه‌گیری

حلّ مسایل مربوط به تخریب منابع طبیعی ساده نیست و ادامه یافتن و باقی بودن این مشکلات نشان از لزوم بررسی دقیق‌تر جنبه‌های نرم‌افزاری و پیچیده مدیریت منابع طبیعی دارد. امروزه این باور در حال تقویت است که هنگام تحلیل مسایل منابع طبیعی، می‌باید نقش مرکزی را به بازیگران عرصه اجتماع و سازمان‌ها و نهادهایی داد که این بازیگران در آن عضویت دارند. به همین دلیل، سازمان‌های محلی، به دلیل قابلیت مناسب در فراهم آوردن مبنایی برای مدیریت دسته‌جمعی منابع طبیعی، در کانون توجه قرار دارند. تجارب کار با مردم در حفاظت از منابع طبیعی نیز نشان داده است سازمان‌های محلی، حداقل می‌توانند به اندازه سایر سازمان‌ها در این مسیر تلاش کنند. مطرح شدن پیشنهادهایی مانند، مدیریت مشترک منابع طبیعی، تمرکززدایی و یا بهبود مدیریت منابع طبیعی که هدف آن‌ها درگیر کردن جوامع محلی به همراهی بیشتر با کارگزاری‌ها و سازمان‌ها دولتی است، هنگامی می‌توانند موفق باشند که سازمان‌های محلی مناسبی برای به عهده گرفتن کارهای مدیریتی وجود داشته باشد و یا این که بتوان چنین سازمان‌هایی را ایجاد کرد. خوشبختانه در کشور ما و با وجود شوراهای اسلامی زمینه

تحقق چنین چیزی فراهم است. شوراهای روستایی یکی از شناخته‌ترین و با سابقه‌ترین سازمان‌های محلی در ایران هستند و با توجه به ویژگی‌های این شوراها می‌توان نتیجه گرفت که می‌توانند به‌عنوان یک ساختار و چارچوب نهادی بالقوه برای تشویق مشارکت مردمی در حفاظت از منابع طبیعی مدّ نظر قرار گیرند. اما برای ارتقاء مشارکت شوراهای اسلامی روستایی در حفاظت از منابع طبیعی، در قدم اول می‌باید پذیرفت قدرت تصمیم‌گیری نهایی در چگونگی رفتار با منابع طبیعی و محیط‌زیست، در دست مردم محلی است که معمولاً در سازمان‌های محلی ظهور می‌یابد. به بیان دیگر، این مردم هستند که در نهایت کیفیت منابع طبیعی و محیط‌زیست را تعیین می‌کنند و تکیه صرف بر قوانین و مقررات، نمی‌تواند تضمین کافی برای حفاظت از منابع طبیعی و محیط‌زیست باشد. از این رو، چنانچه مدیران خواستار اثربخشی و کارآیی برنامه‌های مشارکتی حفاظت از منابع طبیعی و محیط‌زیست هستند، می‌باید نگاه و تعریف آنان نسبت به اجتماعات محلی به‌صورتی تغییر یابد که این واژه (یعنی اجتماع محلی)، معنایی بیش از «بهره‌بردار صرف از منابع طبیعی» را به‌همراه داشته باشد. پژوهش انجام شده نیز نشان داد که می‌توان در حد زیادی به مشارکت شوراهای اسلامی روستایی در حفاظت از منابع طبیعی امیدوار بود. این در حالی است که میزان مقبولیت تصمیم‌های شوراهای اسلامی روستایی در بین مردم نیز از وضعیت مناسبی برخوردار است. بنابراین توصیه می‌شود از شوراهای روستایی در حفاظت از منابع طبیعی استفاده مناسب به عمل آید و تمهیدات لازم بدین منظور اندیشیده شود.

رهیافت‌های ترویجی

یکی از موارد مهم برای مشارکت شوراهای اسلامی در حفاظت از منابع طبیعی، تشخیص مهمترین کارهایی است که می‌باید در این راستا انجام پذیرد. به همین دلیل از پاسخگویان در این باره سوال گردید. نتایج این بررسی نشان می‌دهد از نظر اعضای شوراهای اسلامی، مهم‌ترین کارهایی که می‌باید برای همکاری و مشارکت شوراهای اسلامی در حفاظت از منابع طبیعی انجام گیرد عبارتند از:

- برگزاری کلاس‌های توجیهی.
- برگزاری دوره‌های آموزشی برای اعضای شوراهای اسلامی.
- هماهنگی با شوراهای اسلامی درباره اجرای طرح‌های جدید.
- تفویق اختیار قرق محدوده‌های منابع طبیعی به شوراهای اسلامی.
- ارزش قایل شدن به گزارش‌های شوراهای اسلامی.

- استعلام از شوراهای اسلامی برای هر گونه واگذاری در منابع طبیعی.
- تشکیل گروه‌های حفاظت توسط شوراهای اسلامی.
- صدور کارت مخصوص برای اعضای شوراهای اسلامی.
- تشکیل کارگروه حفاظت از منابع طبیعی با مشارکت شوراهای اسلامی.
- حمایت قانونی از شوراهای در امر حفاظت از منابع طبیعی.
- صدور حکم حفاظت از منابع طبیعی برای شوراهای اسلامی.
- تفویض مسئولیت و اختیار حفاظت از منابع طبیعی محل به شوراهای اسلامی.
- حمایت مراجع ذیصلاح از شوراهای در حفاظت از منابع طبیعی.
- احداث پارک‌های جنگلی با مشارکت شوراهای اسلامی در مناطق حفاظت شده.
- توجه مردم محل نسبت به وظیفه شوراهای اسلامی در حفاظت از منابع طبیعی.
- استفاده از مناطق طبیعی گردشگری با مشارکت شوراهای اسلامی.
- امکان‌پذیر ساختن به‌کارگیری افراد قریبان و نگهبان محیط‌زیست توسط شوراهای اسلامی.
- در اختیار گذاردن وسایل و امکانات لازم به شوراهای اسلامی برای حفاظت از منابع طبیعی مانند وسیله نقلیه.
- ایجاد تعامل مناسب بین ادارات منابع طبیعی، محیط‌زیست و شوراهای اسلامی تا شوراهای بتوانند با مصوبات خود، قوانین محلی مناسب برای حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی وضع نمایند.

سپاسگزاری

هزینه مالی این پژوهش توسط اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان فارس تأمین شده است.

منابع

1. Agrawal, A., and Ribot, J. 1999. Accountability in decentralization: A framework with South Asian and West African cases. *Journal of Developing Areas*, 33: 4-12.
2. Asian Productivity Organization. 2004. Role of local communities and institutions in integrated rural development: Report of the APO seminar on role of local communities and institutions in integrated rural development, Islamic Republic of Iran, Tehran, 15-20 June. (In Persian)
3. Dove, M. 1993. A revisionist view of tropical deforestation and development. *Environmental Conservation*, 20(1): 17-24.

4. Ferraro, P. 2000. Global habitat protection: Limitations of development interventions and the role for a permanent international habitat reserve. Cornell Department of Arme. Working Paper 2000-03. Ithaca, NY.
5. Jantzi, T.L. 2000. Local program theories and social capital: A case study of a Non-governmental organization in Eastern Bolivia. PhD Dissertation, Cornell University, 324p.
6. Kargar, A., and Abedi-Sarvestani, A. 2000. The people participation context in natural resources plans. First national seminar on natural resources, participation and development, Tehran, 18p. (In Persian)
7. Minnesota Department of Natural Resources. 2004. A quick guide to using natural resource information. DNR Information Center, Minnesota, USA, 16p.
8. Ongugo, P.O. 2007. Participatory forest management in Kenya: Is there anything for the poor? In: Proceedings of international conference on poverty reduction and forests, Bangkok, Thailand, 10p.
9. Osmani, S.R. 2000. Participatory governance, people's empowerment and poverty reduction. SEPED Conference Paper Series. Available at: http://www.undp.org/seped/publications/conf_pub.htm, (2015/09/10)
10. Sadeghi, M.A. 2006. The role of Islamic rural councils in natural resources management. Journal of Cooperative, 163: 77-78.
11. Wily, L.A. 2002. Participatory forest management in Africa: An overview of progress and issues. Presented at: Second international Workshop on participatory forestry in Africa. FAO, Rome, 28p.



Gorgan University of Agricultural
Sciences and Natural Resources

J. of Conservation and Utilization of Natural Resources, Vol. 4 (1), 2015
<http://ejang.gau.ac.ir>

The participatory role and place of local councils in natural resources conservation

***A. Abedi Sarvestani**

Assistant Prof., Dept., of Agricultural Extension and Education, Gorgan University of
Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran

Received: 2014/01/01; Accepted: 2014/04/05

Abstract

The appropriate management and protection of natural resources are important issues in present age. Therefore, design and explanations of appropriate institutions and organizational structures is one of the challenges for many countries. This article attempts to answer this challenge by introducing the use of local councils. In this regard, with introducing the successful experiences of local councils in natural resource management, the Rural Islamic Councils has been considered as local organization which can be used in forming a suitable organizational structure. For more investigation a survey research was done. The studied population was consisted of members of Rural Islamic Councils (RICs) in protected areas of Fars province. Through stratified random sampling 104 members of RICs in 52 villages were chosen as sample. Needed information was gathered using a questionnaire which developed based on research questions. Data was analyzed by SPSS software using descriptive statistics. Results showed a lot of acceptability of RICs decisions among rural people and there is a great hope for participation of the RICs in natural resources conservation. This paper introduces the necessary measures and appropriate extension approaches for participation of the RICs in natural resources conservation.

Keywords: Natural resource conservation, Participation, Local councils

*Corresponding author: abediac@yahoo.com

